

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



پارادایم برساخت گرایی

استاد: دکتر عرب بافرانی

دانشجو: بهنام افطاری

بهمن ماه ۱۳۹۹



فهرست

۱. تعریف
۲. تاریخچه
۳. انواع
۴. مبانی فلسفی
۵. ویژگی ها
۶. مبانی هستی شناسی
۷. مبانی معرفت شناسی
۸. گرایش های معرفت شناختی
۹. مبانی روش شناسی - روش ها
۱۰. نقدها

برساخت گرایی اجتماعی

تعریف

- به طور معمول وقتی از برساخت چیزی سخن می‌گوییم به این معناست که **آن چیز را نمی‌توان صرفاً «یافت» یا «کشف» کرد**؛ بلکه آن امری «ساخته شده» است که فعالیت آگاهانه برخی از افراد در نقطه خاصی از زمان را پدید آورده است. در نتیجه **ساخت یا برساخت، در مقابل «یافتن» یا «کشف» قرار می‌گیرد**؛ اما گفتن اینکه آن چیز برساخته اجتماعی است، به معنای این است که جامعه یا اجتماعی خاص، یعنی گروهی از افراد که به نحوی خاص و با ارزش‌ها، علایق و نیازهای خاصی سازمان یافته‌اند، آن را ساخته‌اند.
- در نتیجه می‌توان گفت که برساخت‌گرایی اجتماعی دیدگاهی است که معتقد است چیزی یا چیزهایی به نحوی از انحاء برساخته یا **معلول عوامل اجتماعی هستند و از طریق این عوامل مهار و کنترل می‌شوند**؛ در عوض آنکه معتقد باشد این دست موضوعات و مسائل معلول عوامل طبیعی هستند و از طریق این عوامل طبیعی مهار و کنترل می‌گردند.

تاریخچه

- عموماً از کتاب **ساختار انقلاب‌های علمی** (۱۹۶۲) توماس کوهن و رساله **«برساخت اجتماعی واقعیت»** (۱۹۶۶) برگر و لوکمان به عنوان نقاط عطفی در برساخت‌گرایی اجتماعی یاد می‌شود.
- کوهن معتقد بود که جامعه علمی، **درون یک پارادایم** کار می‌کند. تعیین اینکه پارادایم دقیقاً چیست، کار آسانی نیست؛ اما به طور کلی می‌توان گفت که یک پارادایم مجموعه‌ای از نظریات و هنجارهای پذیرفته شده، شیوه‌های پژوهشی خاص و در کل، مجموعه‌ای از روابط و مناسبات است که دانشمندان، درون آن تربیت شده‌اند، بعدها، براساس آن کار می‌کنند.
- نکته کلیدی و البته بحث‌برانگیز آرای کوهن، در باب چگونگی تغییر و جایگزین شدن این پارادایم‌هاست که **نه بر عوامل عقلانی و عینی که بر عوامل اجتماعی استوار است.**

تاریخچه

- فرض اصلی برگر و لوکمان این است که واقعیات اجتماعی و هویت‌ها در **مکالمات و گفتگوها** با دیگران خلق و حفظ می‌شوند، در عوض آنکه به‌عنوان ساختارهایی ثابت در نظر گرفته‌شوند.
- رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی از طریق اندیشمندانی در شمار زیادی از رشته‌های دیگر دنبال شده است و بیش از پیش این مفهوم گسترش یافته است که **واقعیات اجتماعی، هویت و دانش** به شدت تحت تاثیر فرهنگ، اجتماع و تاریخ و زبان هستند.

انواع

- برساخت‌گرایی اجتماعی به دو **نوع اقلی (ضعیف) و نوع اکثری (قوی)** تقسیم می‌شود. برساخت‌گرایی اقلی معتقد است که واقعیات برساخته نیستند بلکه **فقط معرفت و بازنمایی‌ها** نسبت به واقعیات برساخته است. می‌توان این نوع برساخت‌گرایی را «**برساخت‌گرایی معرفت‌شناختی**» نام نهاد.
- برساخت‌گرایی اکثری معتقد است که نه تنها تمام **معرفت‌ها و بازنمایی‌ها** برساخته هستند، بلکه خود آن **واقعیات** که معرفت یا بازنمایی‌ها به آنها ارجاع داده می‌شود نیز برساخته هستند. می‌توان این قسم از برساخت‌گرایی را «**برساخت‌گرایی هستی‌شناختی-معرفت‌شناختی**» نامید.
- به عنوان مثال در صورت اقلی برساخت‌گرایی اجتماعی، اینکه بگوییم «**جنسیت**» برساخته‌ای اجتماعی است بدین معناست که **بازنمایی‌ها یا تلقی‌های افراد** از جنسیت برساخته‌هایی اجتماعی هستند. اما در قسم حداکثری نه‌تنها تلقی افراد از جنسیت بلکه **خود مفهوم جنسیت** نیز برساخته‌ای اجتماعی است.

مبانی فلسفی

- از لحاظ فلسفی می‌توان گفت برساخت‌گرایی **عکس‌العملی در مقابل فلسفه‌های واقع‌گرایانه و فلسفه‌های تجربه‌گرایانه**، چه اثبات‌گرا و چه ابطال‌گرا و در کل مبانی فکری مدرنیسم است. در نتیجه برساخت‌گرایی یک **مخالفت شدید** را با دیدگاه‌های سنتی **پوزیتیویست** و تجربه‌گرایی آشکار می‌کند.
- یک دیدگاه رایج در علوم اجتماعی و انسانی آن است که **واقیتی بیرونی و مستقل از ذهن** انسان وجود دارد و دانش معتبر آن است که به طور دقیق و عینی از این واقعیت حکایت کند یا هرچه بیشتر با این واقعیت مطابق باشد. در این میان **زبان** از شفافیت و وضوح برخوردار است و سنخیتی بین زبان و واقعیت وجود دارد، مانند عکس و صاحب عکس.
- در این میان برساخت‌گرایی اجتماعی تحت تاثیر فیلسوفانی همچون فوکو و دریدا و دیگر مدافعان جهان فکری پست‌مدرن و متفکران دیگری از جمله ویگوتسکی و ویتگنشتاین بوده است. تاثیرات این دانشمندان موجب شده تا بر نقش زبان در علوم اجتماعی به عنوان سازنده دانش و نه تصویرگری از واقعیت تاکید شود. از این تغییر کارکرد زبان گاه به عنوان «**چرخش زبانی**» یاد می‌شود. این چرخش زبانی حرکتی بود برای نگرستن به تمام مفاهیم به عنوان محصولاتی زبانی. زبان در اصطلاح **مرجعی غیرشفاف** است و هیچ تضمینی وجود ندارد که زبان بتواند با واقعیات مطابقت کند.

ویژگی ها

- **ویژگی اول:** موضع‌گیری انتقادی برساخت‌گرایان اجتماعی است. برساخت‌گرایی اجتماعی تاکید می‌کند که باید آن دسته از شیوه‌های درک جهان از جمله درک خودمان را که **بدیهی تلقی کرده‌ایم به دیده انتقادی بنگریم**. همچنین برساخت‌گرایی اجتماعی همچنین دیدگاهی را به چالش می‌کشد که دانش را مبتنی بر **مشاهدات عینی و بی‌طرفانه** از جهان می‌داند. البته آنها دستاوردهای علم را نادیده نیم‌گیرند، اما این باور را به انتقاد می‌گیرند که **علم می‌تواند حقیقت غایی جهان را آشکار کند**.
- **ویژگی دوم:** علاقه برساخت‌گرایان اجتماعی به «معنا»، «زبان» و «گفتمان» است. در رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی معنا مشخصه مرکزی فعالیت‌های انسانی است. در نتیجه زبان به ابزاری مبنایی برای برساخت‌گرایی اجتماعی تبدیل می‌شود. از نظر برساخت‌گرایان، زبان و کاربرد آن به هیچ‌وجه توصیف‌گری یا بازنمایی از جهان نیست؛ بلکه **زبان هم جهان را هنگامی برمی‌سازد که آنرا درک می‌کنیم** و هم پس از آن پیامدهای واقعی برای ما به بار می‌آورد.
- برساخت‌گرایی اجتماعی بر این باور است که زندگی اجتماعی انسان از طریق **تعاملات گفتمانی** تولید می‌شود. گفتمان ابزار اصلی برساخت اجتماعی واقعیت است.

ویژگی ها

- **ویژگی سوم:** از نظر برساخت‌گرایان اجتماعی **خاستگاه معنا ارتباط** است؛ یعنی در **روابط متقابل** یا تعاملات اجتماعی و توافقی‌های جمعی.
- **ویژگی چهارم:** برساخت‌گرایان اجتماعی بر این باورند که **شیوه‌های ساخت معنا** به طور ذاتی در فرایندهای اجتماعی-فرهنگی جداسازی شده‌اند، که به **زمان‌ها و مکان‌های خاص** اختصاص دارند. در نتیجه، معانی و رویدادهای خاص و شیوه‌های درک و فهم آنها در شرایط و موقعیت‌های مختلف متفاوت است.
- **ویژگی پنجم:** اکثر برساخت‌گرایان اجتماعی **یک نگرانی و بدبینی عمیق در ارتباط با «ذات‌گرایی»** دارند؛ یعنی این دیدگاه که درون جهان یا انسان یک دسته ویژگی‌های ذاتی وجود دارد و مثلاً درباره انسان هدف روانشناسی کشف این ویژگی‌های ذاتی افراد است.

مبانی هستی‌شناسی

- برای یک برساخت‌گرا، جهان چیزی نیست که به سادگی در بیرون یافت شود؛ بلکه چیزی است که ما آن را **از طریق زبان برمی‌سازیم**. به عبارت دیگر جهان مستقل از ما وجود دارد؛ اما همین که می‌خواهیم درباره آن **بیندیشیم** و از آن **سخن** بگوییم برساخته می‌شود.
- به باور برساخت‌گرایان اجتماعی ما واقعیت را **با پذیرفتن نحوه‌ای از سخن گفتن یا اندیشیدن** برمی‌سازیم که به توصیف آن واقعیت می‌پردازد. به بیان دیگر، **زبان** کلیدی است برای شکل‌گیری و خلق جهان اجتماعی، نه ابزاری برای **توصیف** پدیده‌هایی که مستقل از ما وجود دارند.
- از نظر آنها **واقعیت** صرفاً امری بیرونی نیست؛ بلکه افزون بر آن واقعیت **توسط زبان و روایت‌های زبانی** ما انسان‌ها از آن ساخته می‌شود. این دیدگاه در تقابل با استعاره سنتی «**نظریه تصویری زبان**» یا «آینه» است که در آن فرض می‌شود که ذهن دقیقاً انعکاس دهنده جهان واقع است.
- موضع برساخت‌گرایی این نیست که «هیچ چیزی وجود ندارد» یا «هیچ حقیقتی وجود ندارد» بلکه، موضع آنها این است که **ما در حین برقراری رابطه با یکدیگر، جهانی را می‌سازیم که در آن زندگی می‌کنیم**.

مبانی هستی‌شناسی

- نخستین چیزی که در بحث از نگرش برساخت‌گرایی اجتماعی باید در نظر گرفت، عبارت از اهمیت این بیان است که انسان‌ها در دو جهان زندگی می‌کنند. اولین جهان عبارت از **جهان مادی** است و دومین جهان عبارت از **معنایی** است که ما برای این جهان مادی خلق می‌کنیم.
- دومین نکته‌ای که در این نگرش باید در نظر گرفت آن است که میان **ویژگی‌های عینی** امور، شرایط یا افراد از یکسو و **ادراکات ذهنی** ما از آن امور، شرایط و افراد از سوی دیگر **روابطی ضروری و اجتناب‌ناپذیر وجود ندارد.**
- نکته مهم این است که هرگاه افراد واقعیت را تعریف می‌کنند، **از درون سنتی فرهنگی** سخن می‌گویند. تعریف افراد مختلف از امر واقعی، در درون فرهنگ خاصی شکل گرفته که به آن تعلق دارند. پس اگر آنچه ما به‌عنوان واقعی به‌شمار می‌آوریم، برگرفته از **توافق‌های جمعی** باشد، پس روابط اجتماعی باید منشاء نظریات و داوریه‌های مرتبط با حقیقت باشد؛ یا به‌عبارتی دیگر، **حقیقت فقط درون اجتماع وجود دارد.**

مبانی معرفت‌شناختی

- تمام انواع معرفت وابسته به جامعه است؛ زیرا تمام معرفت‌ها از هر نوعی که باشند برساخته جامعه هستند. در نتیجه معرفت بودن یک باور همیشه تابع محیطی خواهد بود که باور در آن پدید می‌آید. برساخت‌گرایان اجتماعی دانش را محصول یک اجتماع خاص می‌دانند که با پیش‌داوری‌ها، اعتقادات و معیارهای خاصی هدایت می‌شود. (تضاد با برداشت کلاسیک از معرفت)

مبانی معرفت‌شناختی

- اثرگذاری این مکتب در **جامعه‌شناسی علم** بیش از هر موضوع دیگری قابل توجه است. نتیجه بلافاصله‌ای که از این تئوری گرفته می‌شود این است که **در جایی بودن یا وجود داشتن برآمده از کارهای علمی است تا دلایل موجود**. یعنی واقعیت‌های تولید شده توسط کاوش‌های علمی ممکن است برساخته‌های اجتماع باشند. به عبارت دیگر آنچه در علم مطرح می‌شود بیشتر از آنکه مطابقتی با واقعیت داشته باشد **ریشه در تعاملات اجتماعی و ذهنی دانشمندان** است که لزوماً براساس مدارک و مشاهدات موجود اثر نمی‌پذیرد.
- در تمام فلسفه‌هایی که در نقد رویکرد پوزیتیویستی نسبت به روش‌شناسی در علم مطرح هستند **تفاوتی میان پیش‌زمینه کشف و پیش‌زمینه توجیه** در نظر گرفته می‌شود. به این معنا که وقتی در مقام کشف پدیده‌ها قرار می‌گیریم خواه‌ناخواه توسط ارزش‌ها و پیشفرض‌هایی تحت تاثیر قرار می‌گیریم که توسط اجتماع به ما منتقل شده‌است و چنانکه در برخی گفتمان‌ها مطرح شده‌است؛ **شناساگر توانایی جدا شدن از پیش‌زمینه‌های ارزشی و معرفتی خود را دارا نیست**. اما این رویکردها در مورد مقام توجیه گذاره‌ها نهایتاً سکوت می‌کنند و ادعایی بر اثرگذاری ارزش‌های اجتماعی بر توجیه‌گر ندارند. برساخت‌گرایی اجتماعی ادعا می‌کند از آنجا که برهم‌کنش‌ها و ارزش‌های اجتماعی در معرفت افراد نسبت به واقعیات نیز اثرگذار است مسلماً در فرایند توجیه نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند. پس **انسان‌ها نه فقط در مقام کشف بلکه در قام توجیه نیز تاثیرپذیرفته از فرایندهای اجتماعی هستند**.

مبانی معرفت‌شناختی | مثال

- آنتونی آپیا (۱۹۹۶) تحقیقاتی در مورد **ریشه‌های تبعیض نژادی** در مورد رنگین پوستان انجام داد و در نهایت نتیجه گرفت اینگونه تبعیض‌ها **هیچ ریشه علمی، فیزیکی یا فیزیولوژیکی** ندارند و باور به تفاوت‌هایی میان نژادهای مختلف تنها **ریشه در نقش‌های اجتماعی** دارد. به بیان دیگر مفهوم تبعیض و باور به تفاوت، هر دو ریشه در زمینه‌های اجتماعی دارند و برساخته اجتماع هستند.

گرایش‌های معرفت‌شناختی

برساخت‌گرایی اجتماعی سطح خرد

- این نوع از برساخت‌گرایی اجتماعی میان **تعاملات روزمره انسان‌ها** شکل می‌گیرد. ممکن است برداشت‌های متعددی از جهان حاصل شود اما **نمی‌توان یک برداشت را از دیگری واقعی‌تر دانست**. منجر به نوعی **شکاکیت** هم می‌شود.

برساخت‌گرایی اجتماعی سطح کلان

- این نوع برساخت‌گرایی به شدت تحت تاثیر آثار فوکو است و بر این امر تمرکز می‌کند که چگونه یک **گفتمان**، یا پیوند دانش-قدرت، دانش و رفتار فرد را برمی‌سازد. برساخت‌گرایی اجتماعی سطح کلان منکر نیروهای سازنده زبان نیست؛ اما آن را ناشی از **ساختارهای فرهنگی**، **نهادی**، **ایدئولوژیک** در بافت‌های گسترده اجتماعی می‌بیند. رویکرد و اساسی دریدا نیز ذیل این نوع برساخت‌گرایی قرار می‌گیرد که مورد توجه نویسندگان فمینیست نیز هست. آنها نشان می‌دهند که چطور مقوله‌بندی‌هایی مانند جنسیت به‌طور اجتماعی برساخته شده‌است.

مبانی روش‌شناسی – روش‌ها

- روش‌شناسی **تاویلی و جدلی** است.
- هدف در این پارادایم **فهم و نوسازی** است.
- پژوهشگر در نقش خود به‌عنوان **تسهیلگر نوسازی چندصدایی** مطرح می‌شود.
- در برساخت‌گرایی بازسازی‌های انفرادی یا جمعی که گاهی اوقات حول یک محور، **اجماع** درباره آنها شکل می‌گیرد به عنوان دانش تصور می‌شود.
- روش‌هایی که در این پارادایم مورد استفاده قرار می‌گیرد عبارتند از: **آینده‌های شخصی، سناریوها، ره‌نگاشت و چشم‌انداز**

نقدها

- قابل پیشبینی‌ترین نقدها نسبت دادن برساخت‌گرایی به نوعی **فلسفه نسبی‌گراست** در این زمینه این نقد وارد می‌شود که اگر واقعیت برساخته اجتماع است پس اساساً خود تئوری برساخت‌گرایی نیز برساخته‌ای اجتماعی است و بدین معنا ممکن است در برخی فرهنگ‌ها مقبول باشد و در برخی نباشد. پس گویا این تئوری **خودویرانگر** است. (طبق این نظریه چیزی که برساخته اجتماع نباشد وجود ندارد که برساخته بودن در مقابل آن نوعی ضعف تلقی شود)
- نقد دیگری که به این فلسفه وارد می‌شود این است که در صورت برساخته بودن مفاهیم، **ارتباط بین دو فرد با زمینه‌های مختلف** چگونه ممکن است؟ (مورد **مناقشه** بودن امکان گفتگو بین دو فرد با دو فرهنگ مختلف – توانایی برساخته شدن زبان مشترک و نزدیک کردن مفاهیم به یکدیگر)
- نقد دیگری که به این فلسفه وارد می‌شود مربوط به **ساختار سلطه‌ای** است که ایجاد می‌گردد به طوریکه تئوریسین‌ها در جایگاه خدا قرار می‌گیرند و مفاهیم را برای دیگران تعریف می‌کنند. (فرایند برساخت‌گرایی اجتماعی **از دل اجتماع** برمی‌آید و تکتک افراد در آن نقشی به عهده دارند.)

منابع

- بررسی تحلیلی مبانی رویکرد برساخت گرایی اجتماعی
- سازه‌نگاری معرفتی و برساخت گرایی اجتماعی
- مختصات روش شناختی آینده پژوهی
- اعتبار عقلانیت آلن فرانکلین در برساخت گرایی معاصر
- ارزیابی نقادانه روش شناسی های آینده نگاری و آینده پژوهی

با تشکر از حسن توجه شما

پارا دایم بر ساخت گرایي

استاد: دکتر عرب بافرانی

دانشجو: بهنام افطاری

بهمن ماه ۱۳۹۹

